



تله آفساید!

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

اشاره:

وقتی می‌شنویم «تهیه مواد اولیه دو هفته زمان می‌برد اما خرید مواد مخدر بیشتر از پنج دقیقه طول نمی‌کشد»، به خود می‌لرزیم. وقتی از «تفکر راحت طلبانه و عدم مسئولیت پذیری نسل جوان» صحبت می‌شود به فکر فرو می‌رویم و سرانجام وقتی «عقل می‌گوید ورود به میدان تولید را به کسی توصیه نکنید اما دل حرف دیگری می‌زند» دچار تردید می‌شویم... برادران باقری حرف‌های زیادی برای گفتن دارند از امیدهایشان برای رشد و توسعه صنعت پوشاک تا دغدغه‌های تهیه به موقع مواد اولیه، از حکمرانی منافع شخصی بر منافع گروهی تا پیشرفت قابل تحسین صنعت پوشاک در بنگلادش و ما که هنوز درگیر خرید پنبه و دکمه و زیپ هستیم! شاید اگر این گفت‌وگو با بحث فوتبال و گری خوانی سرخابی‌های پایتخت شروع نمی‌شد؛ طعم تلخ حقیقت بسیار گزنده‌تر به نظر می‌رسید. دوستی می‌گفت «همیشه تولیدکننده در تله آفساید گرفتار می‌شود». تعبیر درستی بود؟! قضاوت با شماست...

«تمام کشورها از جمله ایران دو سال بحرانی را تجربه کردند و اغلب کسب و کارها دچار آسیب‌های شدید به خاطر کرونا شدند؛ ارزیابی شما از تبعات کرونا بر صنعت پوشاک کشور چیست؟

ابتدا از فرصتی که در اختیار مجموعه ما قرار دادید، سپاسگزارم و امیدوارم محصل این گفت‌وگو کمک کوچکی برای رفع موانع و مشکلات فراوان صنعت پوشاک ایران باشد. ای کاش پدرم هم در این گفت‌وگو حاضر بودند زیرا حرف‌های زیادی از اوضاع و شرایط تولید در گذشته و حال حاضر برای گفتن دارند. به دلیل اجرای واکسیناسیون و تطبیق مردم با زندگی در شرایط کرونایی، شرایط تا حدودی بهتر از دو سال گذشته شده البته سال قبل دلهره‌های پایان دولت دوازدهم را داشتیم و بلا تکلیفی بزرگی در صنایع به چشم می‌خورد اما در حال حاضر کشمکش‌های میان دولت و مجلس که شوک‌های متعددی به تولید و صنعت وارد می‌کرد؛ به حداقل رسیده است. کماکان مشکلات قبلی وجود دارند با این تفاوت که مانند گلوله برفی معروف در انیمیشن‌ها که هر اندازه

جلوتر می‌آیند، بزرگ‌تر و سهمگین‌تر می‌شوند، دامنه چالش‌های صنعت ما نیز افزایش پیدا می‌کند و هر روز معضلات بزرگ‌تر و جدیدتری به وجود می‌آید. این مورد مختص صنعت پوشاک نیست و تمام صنایع کشور درگیر این موضوع هستند که هیچ مشکلی حل نمی‌شود و فقط از یک دولت با حجم بزرگ‌تر و مصائب بیشتر به دست دولت بعدی می‌رسد. بارها و بارها مشکلات خود را با دولتمردان در میان می‌گذاریم اما نتیجه‌ای در بر ندارد. با توجه به افزایش قیمت جهانی پنبه و کمبود مواد اولیه و ملزومات تولید، صنایع نساجی و پوشاک، استمرار کشمکش‌های برجام، بی‌ثباتی بازار ارز و آشفتگی مصرف‌کننده، شرایط و اوضاع امسال نسبت به سال آینده بهتر است. کرونا، تأثیرچندانی بر وضعیت صنعت پوشاک نداشت چون شرایطمان پیش از پاندمی هم به دلیل تحریم‌های خارجی و خودتحریمی‌های داخلی مطلوب و ایده‌آل نبود و فارغ از هرگونه بحث جناحی و گرایش سیاسی معتمد از پایان دولت هشتم تا امروز شرایط تولید ما در مقایسه با صنعت و اقتصاد سایر کشورها، غیرعادی است و شاید کرونا موهبت بزرگی

برای دولت قبلی بود تا کاستی‌ها و سوءمدیریت‌های خود را به گردن آن بیندازد.

البته تعطیلی‌های سراسری، محدودیت‌ها و قرنطینه‌های سلیقه‌ای و غیرکارشناسی هم به اصناف و صنایع از جمله پوشاک لطمات بسیاری زد و از سوی دیگر استیجاری بودن فروشگاه‌ها و اماکن عرضه خرده فروشان پوشاک و هزینه‌های بسیار سنگین اجاره واحدهای تجاری، توزیع محصولات و گردش مالی از تولید تا مصرف را با اختلالات شدید مواجه کرد. آن قدری که کرونا در صنعت گردشگری و زیرمجموعه‌های آن اثرگذار بود برای صنایع پوشاک تأثیر نداشت اما باید معضلات پساکرونا را در نظر گرفت زیرا تولید پوشاک در کشورها مانند چین و بنگلادش در دوران کرونا همچنان ادامه داشت و هر چند تقاضا به دلیل محدودیت‌های گردشگری و رفت و آمد مسافران به پایین‌ترین سطح خود رسید بسیاری از برندهای بزرگ دنیا سفارشات خود را به حالت تعلیق درآوردند در نتیجه حجم گسترده‌ای از پوشاک ارزان قیمت خارجی پشت مرزهای کشور وجود دارند که تهدید آنها برای فعالان صنعت پوشاک صدها برابر خطرناک‌تر از کروناست. با ورود این قبیل محصولات، تمام صنایع پوشاک ایران را سونامی وار ریشه‌کن خواهد کرد.

«قاچاق و واردات غیرقانونی که پدیده جدیدی

نیست و همیشه در جریان بوده و هست!

این بار به معنای واقعی کلمه «سونامی» است زیرا همان‌طور که اعلام شد اکثر برندهای مطرح دنیا سفارشات خود را نزد تولیدکنندگان چین، بنگلادش و حتی ترکیه متوقف کرده‌اند؛ تولیدکننده هم نمی‌تواند محصولات خود را دور اندازد و حاضر است یک چهارم قیمت به هر خریداری بفروشد و برایش فرقی ندارد مقصد صادرات چه کشوری است. متأسفانه در کشور ما قاچاق یک موضوع ریشه‌ای، قدیمی و غیرقابل کنترل می‌باشد و الان که توان اکثر تولیدکنندگان پوشاک به دلائل مختلف به کمترین و پایین‌ترین حد ممکن رسیده مشکلات قاچاق در کشور ما نمود بیشتری دارد.

حتماً و حتماً مسئولان فرهنگی ما برای بیان تبعات قاچاق کالا و مشکلاتی که برای اقتصاد و جامعه یک کشور به وجود می‌آید باید اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی کنند شاید حتی خود آن شخصی که قاچاق کالا انجام می‌دهد نمی‌داند کارش چه تبعات مخربی بر اوضاع اقتصاد کشور و جامعه و خانواده خودش دارد، حتی هم‌مراز با قاچاقچی مواد مخدر.

«تکلیف قیمت این پوشاک (که به تعبیر شما، سونامی وار پشت مرزهای کشور ما هستند)؛ مشخص است اما از نظر کیفیت در چه سطحی قرار دارند؟

وقتی محصولی تحت لیسانس یک برند بین‌المللی تولید می‌شود، قطعاً کیفیت بالایی دارد. دسترسی تولیدکنندگان خارجی به مواد اولیه و با کیفیت و متنوع و تجهیزات مدرن موردنیاز برای تولید پوشاک، شک نکنید کیفیت این قبیل محصولات از مشابه تولیدات داخلی بالاتر خواهد بود. قبلاً اکثر قاچاقچیان پوشاک فیک وارد می‌کردند امروز پوشاک اورجینال!

«پس به این نتیجه می‌رسیم کیفیت و قیمت پوشاک خارجی مدنظر شما مطلوب و مناسب است. خب برای یک مصرف‌کننده عادی چه توجیه یا دلیلی وجود دارد که پوشاک مد روز خارجی، اورجینال و با قیمت ارزان را کنار گذارد و پوشاک داخلی را با قیمت بالاتر و تنوع پایین‌تر بخرد؟ تا کجا شعار میهن پرستی و «ایرانی، ایرانی بخر یا ببوش» کاربرد دارد؟ به هر حال در شرایط نامساعد اقتصادی، مردم به دنبال رفع نیازهای خود با مناسب‌ترین قیمت هستند و شاید حق دارند ابتدا به فکر جیب خود باشند...»

سوال بسیار خوبی است. تا امروز از تولیدکننده پوشاکی نشنیدیم که مخالف واردات قانونی پوشاک به کشور باشد، قراردادان پوشاک تولید ایران در داخل دایره انحصار و تحصیل آن به مصرف‌کننده آفت بزرگ برای صنایع پوشاک کشور هست، تولیدکننده ما استاندارد لازم برای تولید پوشاک با کیفیت را در رقابت

با پوشاک تولید شده خارجی بدست می‌آورد، عرضه پوشاک در کشور ما مثل بسیاری از کشورها مانند خود ترکیه که از بهترین و بزرگ‌ترین تولیدکنندگان پوشاک هست باید گسترده با تنوع فراوان در حق انتخاب برای خریدار و مصرف‌کننده باشد فقط یک اما وجود دارد دست تولیدکننده پوشاک هم برای تامین مواد اولیه لازم برای تولید پوشاک با کیفیت باز باشد، در حال حاضر تولید پوشاک نسبت به سال‌های قبل بسیار سخت‌تر شده، صرف‌نظر از تأمین پارچه، تهیه ریزترین اجزاء تولید پوشاک یعنی دکمه هم به سختی ممکن است، قبلاً در آنالیز قیمت و برآورد هزینه تولید قیمت اقلامی مثل نخ، دکمه، لوازم بسته‌بندی با هم محاسبه می‌شد اما امروز جدا از سختی فراوان تهیه این اقلام خود هزینه خرید آن هم رقم قابل توجهی است.

به‌عنوان مثال نخ دوخت مصرفی برای بعضی از شلوارهای کتان معادل ۱۱/۰۰۰ تومان است موردی که در سوالتان اشاره کردید کاملاً درست است علم و منطق حکم می‌کند مصرف‌کننده به سمت کالای بهتر برود، کالای بهتر یعنی نقطه عطف کیفیت بهتر و قیمت بهتر، اعتراف می‌کنم متأسفانه در بعضی از محصولات پوشاک نسبت به محصول خارجی کالای بهتر عرضه نمی‌کنیم. اینکه همیشه و فقط از مردم انتظار و توقع داشته باشیم که با حمایت از تولید ملی منافع ملی را تامین کنند؛ نادرست است،

از تصمیم‌گیران اقتصاد کشور خواهش می‌کنم با شعار و تحریک احساس مردم در این اوضاع بد اقتصاد توپ را به زمین مردم و مصرف‌کننده نندازند شما نیازهای اولیه تولید پوشاک را رفع کنید یا اجازه این رفع نیاز را به تولیدکننده بدهید، اجازه رقابت در شرایط برابر با محصول خارجی را به تولیدکننده بدهید، اطمینان دارم مردم کشور ما آن قدر به تولیدکننده داخلی لطف دارند که محصول ایرانی بخرند و از محصول ایرانی استفاده کنند.

«اذعان داشتید قیمت و کیفیت پوشاک داخلی قابل رقابت با پوشاک خارجی نیست و از اهرم تعرفه برای حمایت از تولید داخلی توسط دولت یاد کردید. آیا وظیفه دولت این است که با ایجاد

صنایع نساجی در میان گذاشته و متخصصین صنعت با توجه به این ایده و با اتکاء به دانش و توانمندی خودشان اقدام به تولید پارچه می کنند، موضوعی که در کشور ما حال به هر دلیلی کمتر اتفاق می افتد.

چرا در صنعت پوشاک ما این روند وجود ندارد؟ آیا دلیل را باید در توان مالی و سرمایه در گردش بالای کارخانه های نساجی در مقایسه با واحدهای تولید پوشاک دانست که اجازه مانور به صنعتگران نساجی را می دهد؟ یا ...؟

مهم ترین دلیل همین است. به هر حال در گذشته ایران از نامداران نساجی دنیا بود و پارچه فاستونی ما شهرت بین المللی داشت و به نوعی این صنعت در کشور ما آمیخته به هنر و ایران تولید کننده پارچه های منحصر به فرد در دنیا بود، خدارا شکر صنعت نساجی در کشور ما بزرگ با توان مالی بالاست، این توان مالی در مواردی که بین نساجی و پوشاک تعارض منافع وجود دارد حکم به پیروزی نساجی می دهد.

البته بخشی از واردات مربوط به نخ و پارچه هندی است که ایران در قبال مطالبات خود دریافت و روانه بازار می کند!

امیدوارم همین نخ یا پارچه به دست صنعتگر نیازمند واقعی آن برسد. ماه به عنوان تولیدکننده پوشاک برای افزایش تنوع محصولات خود، خواستار واردات ۴۰-۵۰ هزار متر پارچه (حداقل ۱۰ کالیته) هستیم البته از پارچه های باکیفیت ایرانی نیز استفاده می کنیم. کما این که بخش عمده ای از سفارشات پوشاک را با پارچه های تولید داخل تأمین می کنیم، اما مشکل عدم اطمینان نسبت به تهیه به موقع پارچه و موجود بودن پارچه مدنظر است اگر خیالمان بابت این موضوع آسوده باشد و مطمئن باشیم نزد مشتریان و سفارش دهندگان بابت عدم تحویل بموقع سفارش شرمنده نمی شویم، اوضاع خیلی بهتر خواهد شد و حتی می توانیم به پشتوانه این اطمینان سایت فروش اینترنتی خودمون را هم راه اندازی کنیم.

ای کاش بدانند شرکت تأمین کننده پارچه (نام مجموعه نزد نساجی امروز محفوظ است) به اعتبار

بی انصافی از این نظر که تمام فعالیت های ما شفاف، قانونی و رسمی است و هر برنامه جدید و سیاست کلی غلط یا درستی که ابتدای سال به سازمان های دولتی ابلاغ می شود روی امثال ما (دارای پرونده های شفاف) مورد آزمون و خطا قرار می گیرد!

منظوران از واردات مواد اولیه پوشاک، عمدتاً نخ و پارچه ای است که در ایران تولید داخل ندارد؟

مسئله ...

اما عملاً شاهد واردات نخ و پارچه هایی هستیم که اتفاقاً تولید داخل دارند! و چالش میان صنعتگران نساجی و تولیدکنندگان پوشاک پیرامون تعرفه واردات مواد اولیه از همین جا شکل می گیرد. شما (تولیدکنندگان پوشاک) خواهان تعرفه صفر واردات مواد اولیه هستید اما این کار اعتراض صنعتگران نساجی را به دنبال دارد زیرا به زعم آنان واردات، رکود بازار واحدهای ریسندگی و بافندگی را در پی دارد...

اگر نگران رکود بازار در صنعت نساجی هستید حق دارند ولی من فکر می کنم بیشتر نگران شکستن انحصار در صنعت نساجی هستید، مطمئن باشید با توجه به ارزش افزوده موجود در نساجی حتی با واردات پارچه با تعرفه صفر هم توانایی رقابت با پارچه خارجی دارند فقط باید در قیمت گذاری تنوع در تولید ایجاد شرایط بهتر خرید برای تولید کننده و ارتقاء دائمی کیفیت بیشتر دقت کنند.

این را هم عرض کنم به نظر من در صنعت نساجی از پایه و اساس شیپور از سر گشاد آن نواخته ایم! به این معنی که در دنیا، پوشاک لوکوموتیو صنعت نساجی است اما در کشور ما صنایع نساجی حاکم بر پوشاک است. باید ببینیم صنعت نساجی چه محصولی تولید می کند تا براساس آن به تولید بپردازیم ولی در سایر کشورها، کارخانه های ریسندگی و نساجی برحسب نیاز و خواسته تولیدکنندگان پوشاک به فعالیت می پردازند. تولیدکنندگان پوشاک بواسطه ارتباط مستقیم با مصرف کننده طبق صلاح و خواسته مردم ایده ها را با

یک فضای گلخانه ای، همه چیز را در اختیار صنعتگر داخلی بگذارد تا محصولی تولید کند که در نهایت قیمت و کیفیتش رقابتی نیست؟! آیا تولیدکنندگان پوشاک توقع دارند همه چیز برایشان گل و بلبل باشد؟!

جواب کلی سوال شما یک کلمه است بلی، البته تولید ننده ایرانی به سختی ها و سخت کوشی عادت کرده و دنبال شرایط گل و بلبل نیستیم فقط می خواهیم دولتمردان با تصویب قوانین دست و پاگیر و ضد تولید، مانع حرکت ما نشوند و به اصطلاح چوب لای چرخ ما نگذارند. همین! البته این را هم عرض کنم درک و فهم قوانین همین ایجاد فضای گلخانه ای هم کار راحتی نیست تولیدکننده در مسیر درست گام برمی دارد و خود را با شرایط جاری کشور وفق می دهد اما قوانین خلق الساعه و تبصره های مختلف که هر روز صادر می شوند و در تناقض با یکدیگر هستند، تولید را مشکل می کند، ما تولیدکننده ایم و کارمان خواندن تمام قوانین و مصوبات با تبصره و بندهای فراوان دولت و مجلس نیست. متن قوانین و لوایحی که برای تولیدکننده تصویب می شوند باید قابل درک و فهم من تولیدکننده باشد و باید دهها تبصره و بند را بخوانیم تا متوجه منظور قانون گذار شویم، آیا تولیدکننده برای چنین اموری وقت و زمان کافی دارد؟!

صحبت از تعرفه شد و به نظرم «باید» تعرفه واردات مواد اولیه برای «تولیدکنندگان» تاکید می کنم «تولیدکننده» و محصولی که می خواهد تولید کند صفر شود زیرا گردش مالی آنها طولانی است و گردش مالی محصول تجاری وارداتی در بدترین حالت، حدود یک ماه است ولی گردش مالی تولیدکنندگان در رسته های مختلف پوشاک از چهارماه تا یک سال می باشد. همه ما از کاغذبازی های اداری گمرک و سایر نهادهای دولتی مطلع هستیم و برای دریافت مجوز واردات مواد اولیه باید کفش آهنی بپوشیم، گرز آهنین در دست بگیریم، کلاه خود بر سر بگذاریم و از این سازمان دولتی به آن نهاد دولت در حال تردد باشیم! از هفتاد خوان ترخیص کالا عبور کنیم و تازه پس از تهیه مواد اولیه، تولید و عرضه باید پاسخگوی بی انصافی دارایی، تأمین اجتماعی، مالیات و ... باشیم.

و پشتوانه آنان سفارش داخلی یا خارجی می‌پذیریم. در نمایشگاه پوشاک سال گذشته با سفارش تولید ۵۰ هزار قطعه شلوار از ارمنستان روبرو شدیم که به دلیل عدم تأمین به موقع پارچه این فرصت ارزشمند را از دست دادیم. ای کاش بدانند بسیاری از وارد کنندگان و تولید کنندگان پارچه بر مبنای عرضه پارچه و قیمت‌های این شرکت محصولات خودشان را قیمت‌گذاری می‌کنند.

اجازه دهید به یک واقعیت تلخ اشاره کنم محل کار ما در خیابان صوراسرافیل قرار دارد که نزدیک به بازار بزرگ تهران - قطب اقتصاد ایران - است، در بهترین حالت و شرایط برای انتخاب، سفارش و خرید پارچه کتان تولید داخل ایرانی از دفاتر و نمایندگی‌های فروش تأمین‌کننده مواد اولیه حداقل به یک و نیم روز زمان نیاز داریم (صرف‌نظر از تعطیلات مناسبتی یا پایان ساعت کاری بازار) در بهترین شرایط حداقل باید ۲ هفته منتظر تحویل سفارشات بمانیم؛ اما در هر ساعت از شبانه روز، چه تعطیلات ملی، مذهبی و حتی روزهای قرنطینه، فاصله زمانی ما تا خرید و دریافت مواد مخدر فقط ۵ دقیقه است!

«آیا در جریان مشکلات این شرکت قرار دارید؟ طبیعاً آنها هم نمی‌خواهند نزد مشتریان، بدقول شناخته شوند.»

بله. اعلام کردند کارخانه به دلیل نوسازی و بازسازی ماشین‌آلات، دچار وقفه در تولید شده ولی با بازگشایی کارخانه با افزایش قیمت مواجه شدیم البته می‌دانیم آنان هم برای تهیه مواد اولیه تولید پارچه با مشکلات

بسیاری مواجهند ولی انحصار به این شرکت یا سایر شرکت‌ها اجازه اعمال نظر و سیاست‌گذاری‌هایی در فروش می‌دهد که هیچ تناسبی با حقوق خریدار که همان تولید کننده‌های پوشاک هستند ندارد.

«دلیل تکنولوژیکی یا فنی خاصی وجود دارد که مصمم به تهیه پارچه از این شرکت هستید؟ مگر مشابه این پارچه در سایر کارخانه‌های کشور تولید نمی‌شود؟»

تولید کننده پارچه باز هم هست، گاهی خریدار محصول تولید شده با پارچه‌های این شرکت را سفارش می‌دهد البته اطمینان از کیفیت پارچه این شرکت بزرگ تولید کننده را مجاب به تولید پوشاک از پارچه‌های این شرکت معتبر ایرانی می‌کند خصوصاً تولید کننده پوشاکی که از نام خودش بر محصول استفاده می‌کند و یا سفارش و قرارداد تولید پوشاک با سازمان و نهاد دولتی منعقد می‌نماید.

«یعنی این اطمینان به اندازه‌ای است که تأخیر در تأمین مواد اولیه را تحت‌الشعاع قرار دهد؟!»

اول اطمینان و بعد انحصار موجود در تولید و عرضه پارچه و نبود حق انتخاب تولید کننده را ملزم به تطبیق شرایط خودش با شرایط این شرکت و یا سایر تولید کننده‌های پارچه می‌کند.

همان‌طور که مصرف‌کننده حق انتخاب برای خرید پوشاک داخلی و خارجی را دارد؛ تولیدکننده نیز حق دارد مواد اولیه مورد نیاز را از مرجعی مطمئن، با کیفیت مطلوب و قیمت مناسب‌تر تهیه کند. که در حال حاضر

تقریباً از این حق محروم هستیم، اینرو هم در نظر داشته باشید. وقتی خریدار لباسی را با علم بر اینکه دوخت ایران هست می‌خرد یعنی در مرحله اول جنس ایرانی را تأیید و خرید کرده، پس حتماً تولید کننده ایرانی باید بتواند به مواد اولیه با کیفیت چه ایرانی و چه خارجی دسترسی داشته باشد و برای تولید محصولش از آنها استفاده کند که این اعتماد و اطمینان خریدار و مصرف کننده نسبت به جنس ایرانی خدشه دار نکند و از بین نبرد.

«البته مصرف‌کنندگان امروز به دلیل حضور شبانه‌روزی! در فضای مجازی در جریان کیفیت پارچه قرار گرفته‌اند و مثلاً می‌دانند در پوشاک نوزاد نباید الیاف مصنوعی استفاده شود یا بهتر است جوراب و البسه زیر را از پنبه تهیه کنند. حتی برخی تشخیص می‌دهند فلان پوشاک دوخت ایران ولی پارچه‌اش خارجی است!»

بله مصرف‌کنندگان هوشمندانه خرید می‌کنند، خوشبختانه دانش و آگاهی بیشتر مصرف‌کننده داخلی تولید کننده را ملزم به ارتقاء کیفیت تولید می‌کند. و البته زاویه و نوع نگاهشان هم تغییر کرده است. اگر اجازه بفرمائید یک نظر درباره طیف خریداران پوشاک ایران عرض کنم که قبلاً بصورت مختصر دربارش حرف زدیم خریداران به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروهی که دارای تمایلات ملی بیشتر هستند که کالای ایرانی می‌خرند و این موضوع را به سایرین پیشنهاد می‌کنند، گروه بعد افراد با تمایلات مذهبی بیشتر هستند که پس از تأکید رهبر انقلاب مبنی بر





و ساختار آشفته‌شان!) که در تیتراژ پایانی آنها فهرستی از تولیدکنندگان پوشاک، پارچه‌های برده‌ای، منسوجات خانگی، مبلمان و ... قید می‌شود.

بله. همانطور که سریال‌های ترکیه و بیشتر کشورها بر اساس حمایت مالی تولیدکنندگان این کشورها ساخته می‌شوند و مردم با محصولات مختلفی که توسط بازیگران مطرح در این سریال‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ آشنا می‌شوند، خوب است سازندگان فیلم سریال و برنامه‌ها در تیتراژ خود اعلام کنند لباس‌های بازیگران و یا وسایلی که در این فیلم یا سریال یا برنامه استفاده شده ساخت و تولید ایران است.

تاکنون از جانب تهیه‌کننده، کارگردان یا طراح لباس سریال‌های تلویزیونی یا شبکه خانگی (که تعدادشان در حال افزایش است) پیشنهادی مبنی بر استفاده بازیگران از محصولات ایران پاکی داشته‌اید؟ یا از دوستان و سایر همکاران شنیده‌اید که چنین پیشنهادی به آنها شود؟

البته برای تهیه لباس بازیگران مرد بعضی سریال‌ها به فروشگاه ایران پاکی مراجعه می‌کنند، تخفیفات آن‌چنانی هم می‌خواهند اما تمایلی ندارند نام ما را در تیتراژ انتهای سریال قید کنند!

به یک گروه فیلمسازی طرح جالبی دادم که با همکاری تولیدکنندگان پوشاک یک برنامه بر محور پوشاک بسازیم و در کنار آن پوشاک باکیفیت داخلی را در معرض مشاهده مردم قرار دهیم تا اعتماد آنان جلب شود در صورتی که هنوز خیلی‌ها لباس ایرانی را به اسم خارجی می‌خرند و نمی‌دانند چه تولید کننده

بودند اما همگی پوشاک خارجی برتن داشتند! چرا از کاپشن خارجی برای این شخصیت استفاده شد تا به چشم مردم بیاید؟ آیا طراحان لباس این سریال نمی‌توانستند از کاپشن باکیفیت برندهای مطرح ایرانی استفاده کنند؟

فکر می‌کنید انتخاب و استفاده کاراکتر اصلی یک سریال ایرانی از کاپشن خارجی آگاهانه بوده یا اتفاقی و به صورت سهوی صورت گرفته است؟

خوش‌بینانه به موضوع نگاه می‌کنم! اما طبق فیلمنامه بازیگر اصلی و خانواده اش از طبقه فقیر جامعه بود ولی چطور این خانواده فقیر و گرفتار فقط لباس خارجی و گران قیمت می‌پوشیدند فکر می‌کنید اگر از صدا و سیما بخواهیم محصولات تولید داخل را برای بازیگران محبوب مردم استفاده کنند، در ابتدا میلیون‌ها تومان مطالبه نمی‌کنند؟! آیا بابت نمایش و تبلیغ این کاپشن از شرکت جیب هم پول گرفته‌اند؟ اگر برای مثال کاپشن ایران پاکی بر تن پژمان بازغی بود، سازمان امور مالیاتی، با این تفکر به شرکت ما مراجعه می‌کردند که حتماً از نظر مالی آن قدر متمول هستید که در سریال تلویزیونی تبلیغات دارید! آیا سراغ واردکنندگان کاپشن جیب رفته‌اند تا پول تبلیغات بگیرند؟ اگر لباس بازیگران، تولید داخل بود و در تیتراژ این سریال هم اعلام می‌شد لباس بازیگران ایرانی است تبلیغ می‌شد، صد درصد مورد توجه خریداران جامعه قرار می‌گرفت.

مانند سریال‌های ترکیه (صرف‌نظر از فیلمنامه

حمایت و تقویت توان تولیدکنندگان داخل، به تهیه پوشاک ایرانی روی آوردند، این عزیزان که می‌خواهند فرمان رهبر را اجابت کنند به حق نسبت به کیفیت پوشاک داخلی توقع به مراتب بیشتری از گروه اول دارند لذا تمام مسائل و مشکلات تولید پوشاک را نادیده می‌گیرند و خواستار خرید محصول ارزان قیمت و باکیفیت هستند در حالی که مواد اولیه باکیفیت و به موقع در اختیار تولیدکننده قرار نمی‌گیرد.

و طبقه متوسط جامعه چطور؟ آنهایی که درآمد بالایی برای خرید پوشاک گران داخلی ندارند اما مایل به تهیه پوشاک استوک وارداتی و قاچاق هم نیستند... فقط می‌خواهند البسه با قیمت و کیفیت مناسب به دستشان برسد...

معتقدم گروهی از خریداران که در تصمیم خود مردد هستند از طریق تبلیغات گسترده رسانه‌های مختلف در جریان مدهای روز قرار می‌گیرند و به نوعی همراه با جریان بازار حرکت می‌کنند.

دو ماه پیش از طریق فروشندگان فروشگاه ایران پاکی متوجه شدیم بسیاری از خریداران و مشتری‌ها به دنبال کاپشن کتان چینی جیب هستند. برایمان بسیار عجیب بود که دلیل چنین استقبال گسترده‌ای چیست؟ این نوع کاپشن که همیشه وجود داشته و محصول جدید و خاصی هم نیست! خواستیم تولید کنیم ولی متوجه شدیم تولید آن هم در سرهای خاص خود را دارد زیرا زیپ آن به هیچ عنوان در کشور تولید نمی‌شود و قیمت زیپ خارجی ۸۰ هزار تومان است، بخش کشیاف نیز باید از خارج تهیه می‌کردیم، پارچه کتان آن هم که حدود ۱۰-۱۱ دلار است، در ایران پیدا نمی‌شود در نهایت به این نتیجه رسیدیم در صورت تولید باید چنین کاپشنی را (با حداقل سود) حدود ۶۵۰-۷۰۰ تومان به فروش برسانیم در حالی که قیمت کاپشن اورجینال چینی در بازار تهران بین ۶۰۰-۶۵۰ هزار تومان و در منطقه درگهان قشم ۵۰۰-۶۰۰ تومان است.

دلیل مد شدن و محبوبیت یکباره کاپشن کتان جیب این بود که «پژمان بازغی» در «سریال افرا» آن را برتن می‌کرد.

در این سریال خانواده بازغی قشر کم درآمد جامعه

های خوب و معتبری در ایران داریم. متأسفانه پس از کش و قوس‌های متعدد به دلیل خواسته‌های مالی زیاد و مسائل مربوط به تأمین منابع مالی، کار متوقف ماند و به جایی نرسید.

«به نظر شما در این میان تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و انجمن‌های بخش خصوصی نساجی و پوشاک چه رسالتی دارند؟ آیا صدایشان به گوش آنهایی که باید بشنوند، می‌رسد؟ یا فقط انتقال دهنده مسائل و مشکلات به مسئولان هستند؟»



تا جایی که این گفت‌وگوها و بحث‌ها شکل شخصی به خود نگیرد اتحاد بین تشکل‌ها بسیاری از مشکلات پوشاک را حل خواهد کرد.

«دیدگاه شما در مورد طرح شناسه کالا چیست؟»

با هر طرح، نظر، لایحه و قانونی که خارج از چارچوب صنعت پوشاک به این صنعت تحمیل شود، کاملاً مخالفم مگر این که توضیحات لازم، جامع و کامل در مورد جوانب و اصولاً فلسفه یا منطق شکل‌گیری و ماهیت این طرح‌ها قانع کننده باشد. نظرات و



دیدگاه‌های صنعتگران بر حسب تجارب و اطلاعات آنان شنیده شود تا در نهایت آن طرح یا لایحه، شکل اجرایی به خود گیرد. بگذارید از شما بپرسم اصلاً طرح شناسه کالا برای چیست؟

«به نظر می‌رسد ساماندهی واردات پوشاک و مهار قاچاق؛ می‌گویند با اجرای طرح شناسه کالا می‌توان مبدأ، مقصد و قیمت فروش کالاها را مشخص کرد.»

بیست سال پیش اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان تهران بارکدی در اختیار ما قرار داد تا روی محصولاتمان نصب کنیم. جالب است بدانید مدتی این کار به اشتباه چاپ کرده بودیم ولی چه اتفاقی افتاد؟! هیچ!

بعدها طرح شبنم به منصفه ظهور رسید! (شبکه بازرسی

و نظارت مردمی با هدف استفاده از حضور مردم در عرصه بازرسی و ایجاد شفافیت در مبادلات اقتصادی مطرح شد. در این طرح کدیکتا به تمام کالاهای تولید داخل یا وارداتی اختصاص پیدا می‌کرد تا رهگیری آنها از مرحله توزیع تا مصرف در سامانه مرکزی قابل استعلام باشد- نساجی امروز) اما اجرای این طرح چه مشکلی را حل کرد؟ به یاد دارم در بازار تهران پک‌های طرح شبنم را می‌فروختند! آیا جلوی قاچاق پوشاک را گرفتند یا مشکل واردات غیرقانونی کالا حل شد؟! همین اعتقاد و نظر را در مورد طرح شناسه کالا دارم. چنین طرحی نه برای کنترل قاچاق بلکه برای کنترل و انتقال آمار و اطلاعات تولیدکنندگان به سازمان مالیات است! پس لطفاً ژست دلسوزی برای تولیدکننده پوشاک نگیرید.

اجرای شناسه کالا نیازمند استخدام اپراتور، تهیه پرینتر و دسترسی به اینترنت پرسرعت است اما پلت‌فرم آن نواقص بسیاری دارد و امکانی برای درج جزئیات تمام محصولات مدنظر قرار نگرفته است. این کار چه کمکی به حل قاچاق می‌کند؟ با استفاده از یک شماره سریال ساده می‌توان تمام تولیدات ایران پاکو را طبقه‌بندی کرد و دیگر نیازی به درج اطلاعات در یک پلت فرم ناقص و محدود نیست. اگر با اینترنت کم سرعت ایران نتوانیم کد شناسه یک کالا را به ثبت برسانیم، باید تولید را متوقف کنیم یا از کارگر روزمزد و کارمزد بخواهیم کار نکنند؟ شناسه کالا برای واحدهای بزرگی که حجم تولید روزانه آنان ۵ هزار قطعه پوشاک است؛ چگونه اجرا می‌شود؟ آیا مسوولان برای سهولت در ثبت شناسه این واحدها تدبیری اندیشیده‌اند؟

چرا تولیدکننده ایرانی ملزم به ثبت محصولات خود در پلت فرم شناسه کالا است ولی در مورد واردات چنین سختگیریهایی وجود ندارد؟ عرضه محصولات قاچاق که حد و مرز و محدودیتی ندارد و در اقصی نقاط شهر تهران مانند عبدال‌آباد، سرای ملی و... بانبوهی از کالاهای قاچاق روبرو می‌شوید که آزادانه و به سهولت عرضه می‌شوند! آیا آنان هم کالاهای خود را در شناسه کالا ثبت می‌کنند؟! متأسفانه تصمیم‌گیران کشور نه شناخت کاملی از توانایی‌های صنعتگران و

شکل‌گیری اوضاع نامساعد و نامطلوب فعلی ندارند. اگر امروز در گرداب بالاتکلیفی دست و پا می‌زنیم ایراد کار از جای دیگر است.

اگر مسئولان، تصمیم‌گیران، نماینده مجلس و متولیان امور خواهان بهبود شرایط هستند باید بدانند ما گوش شنوا نمی‌خواهیم، دل شنوا می‌خواهیم. تا چندسال پیش وقتی نامی از بنگلادش می‌شنیدیم اولین تصویری که به ذهن شنونده می‌رسید افراد فقیری بودند که گوشه کنار خیابان‌ها روی برگ موز برنج می‌خوردند! اما امروز این تصویر جای خود را به صنعت پوشاک پیشرفته و قابل رقابت با ترکیه داده است. بنگلادش توانست به اصطلاح بار خود را با صنعت پوشاک ببندد و چشم انداز رشد و توسعه را برای اقتصاد خود ترسیم نماید اما کشور ما که سرشار از منابع و معادن خدادادی است، همچنان مجبور به واردات پنبه، پشم و ... هستیم و حتی مجتمع‌های پتروشیمی نیاز تولیدکنندگان داخلی را برطرف نمی‌کنند

اوسط دهه ۶۰ یکی از سوغاتی‌هایی مهم که مردم از ایران به اروپا و آمریکا می‌بردند شلوار جین تولید ایران با لیبیل فارسی «دوخت خزر» بود.

در صورتی که امروز آرزوی ماست که بتوانیم محصولی مانند کیفیت ۳۵ سال پیش تولید کنیم و به آن درک و پیشرفت برسیم که با افتخار به زبان فارسی محصولات خود را عرضه نماییم. ای کاش زاویه دید و نگرش مسئولان تغییر کند و در گام نخست اقتصاد و سیاست را از همدیگر جدا نمایند.

و در پایان باید عنوان کنم قاچاق مانند دیواری است که کوه یخ تهیه و تأمین مواد اولیه پشت آن پنهان شده و در حال حاضر معضل اصلی ما نیست. کارشناسان از عقب ماندگی طراحی پارچه و لباس در ایران گلایه دارند در حالی که تهیه مواد اولیه مهم‌ترین و ضروری‌ترین رکن تولید است؛ در واقع تولیدکنندگان پوشاک یک لشکر بزرگ اما بدون سلاح و مهمات هستند. همان طور که اگر به بهترین نقاش دنیا یک مداد مشکی بدهید نمی‌تواند با آن رنگین کمان هفت رنگ بکشد؛ ما هم در مرحله اول تولید یعنی دسترسی به مواد اولیه گرفتار شده‌ایم.

جانبدارانه و در حمایت صرف از کارگر است. وجود چنین مسائلی کارفرما را ناخودآگاه از نظر روحی خسته و دلزده می‌کند زیرا می‌داند در هر دادگاهی محکوم است.

«آیا تولید در نسل سوم خانواده شما ادامه خواهد یافت؟»

فکر نمی‌کنم علاقه‌ای به تولید داشته باشند و من هم تمایلی ندارم آنها درگیر مسائل و مشکلات طاقت‌فرسای تولید شوند.

«به دوستان یا اطرافیان توصیه می‌کنید سرمایه

خود را به تولید پوشاک اختصاص دهند؟»

رضا باقری: نه!

هادی باقری: اگر عقل پاسخ دهد جواب منفی است اما تولید کار دل است و جوابش مثبت!

«و حسن ختام...»

هادی باقری: نخستین عامل فرهنگ‌ساز، صدا و سیماست. بیست سال پیش بستن کمربند ایمنی بسیار مضحک به نظر می‌رسید اما مسئولان «خواستند» و امروز اولین کاری که افراد پس از نشستن در خودرو انجام می‌دهند بستن کمربند ایمنی است پس «اگر بخواهند، می‌توانند»

مشکلات تولید گاهی تهیه مواد اولیه است و زمانی تأمین نیروی انسانی کارآمد اما همیشه یک مشکلی وجود دارد که ذهن ما را درگیر خود کند! البته بسیاری از مشکلات ما ربطی به تحریم‌های خارجی ندارد و ریشه داخلی دارند... نیازی نداریم دولتمردان دستان ما را بگیرند بلکه جلوی پایمان را بگیرند و اجازه دهند در شرایط مطلوب و بدون تنش به تولید بپردازیم.

مشکلات و موانع برای تولیدکنندگانی است که دارای عملکرد شفاف و روشن هستند، شفاف کار کردن یعنی در دسر، تبدیل به موش آزمایشگاهی سازمان‌ها و نهادهای دولتی! به همین دلیل در میان تمام اصناف، تولیدکننده گرفتارترین و مظلوم‌ترین قشر است و افق روشنی پیش رو مشاهده نمی‌کنم.

رضا باقری: درد دل فراوان است و در این میان تولیدکننده پوشاک و صنعتگر نساجی تقصیری در

تولیدکنندگان بخش خصوصی دارند و نه شناختی از توانایی‌های خودشان بر کنترل اوضاع. از آن بدتر مدت فعالیتشان در سمت‌های مختلف دولتی آن قدر کوتاه است که عملاً نمی‌توانند کار موثری انجام دهند زیرا به سرعت مدیر بعدی جایگزین می‌شود! مدیر یک سازمان عوض می‌شود و تمام دستورات و کارهای مدیر قبلی را کنار می‌گذارد و طرح و برنامه جدید ابلاغ می‌کند؛ تا تولیدکننده با موازین این مدیر آشنا شود، عمر سازمانی وی به پایان می‌رسد و این چرخه همچنان ادامه دارد. فکر می‌کنم شناسه کالا هم با تغییر افراد تغییر کند و به آخر خط نرسد.

«اغلب افراد فکر می‌کنند شغلشان بعد از کار

در معدن، خیلی سخت است ولی گویا تولید در

کشور ما رتبه دوم سختی کار را دارد!

بله. تولید خیلی سخت است و مشکلات خاص خود را دارد؛ یکی از معضلات ما کمبود نیروی انسانی توانمند است. کار هست اما کسی علاقه‌ای به کار کردن ندارد. طرز فکر نسل جدید نسبت به کار و فعالیت به شدت تنزل پیدا کرده و همه می‌خواهند به پول بادآورده کلان برسند بدون این که برای آن تلاش کرده باشند. ادعا و توقع بسیار بالا اما بازدهی پایین!

به نسل جوان نمی‌توان گفت برای ارتقای شغلی باید از پایین‌ترین رده کار را شروع کنید یا از آنان بخواهید مثلاً زیر پای خودشان را جارو بزنند! چون جمله «من لیسانس نگرفته‌ام که کف کارگاه شما را جارو بزنم» را می‌شنوید. حاضرند بیکار و بدون هدف در خانه بمانند اما کوچک‌ترین زحمتی به خود ندهند. تصور می‌کنند چون فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند باید پشت میز مدیریت تکیه بزنند! همیشه هم سرشان در موبایل است و توجهی به خطرات جانبی کار مانند شکست سوزن چرخ‌های خیاطی و ... ندارند! تنها و تنها راه حل این روند نابسامان، فرهنگ سازی است و بس...

زمانی می‌گفتند بیگاری بهتر از بیکاری است اما امروز کسی اعتقادی به این موضوع ندارد چون قانون کار نداریم، قانون بیکاری داریم؛ همانطور که وزارت بیکاری داریم نه وزارت کار... قانون کار یک‌طرفه،